

## نگاهی به کاربردِ وجوهِ افعال در اشعار سلمان هراتی

\* فاطمه مدرّسی

\*\* قاسم مهرآور گیگلو

### چکیده

سلمان هراتی (1338-1365) از شاعران متعهد صاحب‌سبک معاصر در حوزه ادبیات انقلاب اسلامی و پایداری است. شعر سلمان زلال و یک‌دست و در عین حال صادقانه و صمیمی است. زبان شعری سلمان زبان شعر انقلاب است؛ ساده و بی‌آلایش و دل‌نشین؛ اما او از شیوه‌های گوناگونی برای ادبی شدن زبان خود بهره می‌برد. از شگردهایی که سلمان برای ارتقای سطح عادی زبان شعری خویش به سطح ادبی به کار می‌گیرد استفاده از وجوه گوناگون فعل و نقش‌های متمایز وجوه افعال است. وجه فعل مقوله‌ای نحوی - معنایی است که نظر و دیدگاه گوینده را به محتوای آن‌چه می‌گوید نشان می‌دهد. در واقع، وجه فعل صورتی از ساختار فعل است که آن را به اعتبار چگونگی بیان مفهوم آن، که خبری را به طور قطعی برساند، یا وقوع کاری را با احتمال همراه کند، یا امری بودن فعلی را برساند، یکی از سه وجه اخباری یا التزامی یا امری به شمار می‌آورند. بنابراین، در فارسی امروز سه وجه بیش‌تر وجود ندارد: اخباری، التزامی، و امری. این پژوهش بر آن است تا با روشی کیفی - کمی به بررسی کاربرد وجوه افعال در اشعار سلمان هراتی بپردازد تا نشان دهد که سلمان برای شعریت بخشیدن به کلام خود تا چه حد و چگونه از آن بهره برده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سلمان از برخی نقش‌های وجه التزامی چون نقش دعایی، نقش منظوری، نقش بایدی، میزان قطعیت و امکان انجام عمل، و نیز از

\* استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه fatememodarresi@yahoo.com

\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول) mehrravar\_g@yahoo.com

تاریخ دریافت: 1393/7/5، تاریخ پذیرش: 1393/8/17

نقش‌های وجه امری مانند وجه هشدار و وجه اجازه‌ای در سرایش اشعار خود سود جسته است. با وجود این، کاربرد وجه اخباری در اشعار سلمان هراتی در مقایسه با وجه التزامی و امری بیش‌تر است.

**کلیدواژه‌ها:** اشعار سلمان هراتی، وجه اخباری، وجه التزامی، وجه امری، وجه فعل.

## 1. مقدمه

فعل اساسی‌ترین عنصر مقوله واژگانی زبان است که هسته گروه فعلی (گزاره) واقع می‌شود و بر انجام کاری یا روی دادن امری یا داشتن یا پدید آمدن حالتی (به اثبات یا نفی) در یکی از زمان‌های گذشته، یا حال، یا آینده دلالت دارد. هر فعل ویژگی‌های گوناگونی دارد. از مهم‌ترین ویژگی‌های فعل وجه است. وجه مقوله‌ای نحوی - معنایی است که نظر و دیدگاه گوینده را راجع به محتوای آن چه می‌گوید نشان می‌دهد. به عبارتی، صورتی از فعل است که دیدگاه گوینده را درباره قطعی بودن، یا غیر قطعی بودن، یا امری بودن فعل می‌رساند. این پژوهش بر آن است که کاربرد وجوه افعال در اشعار سلمان هراتی، از شاعران صاحب‌سبک معاصر در حوزه ادبیات پایداری و انقلاب اسلامی، را بررسی و موشکافی کند.

### 1.1 روش تحقیق

روش این پژوهش کیفی - کمی است. وجه مقوله‌ای است که در این پژوهش به منزله متغیر برگزیده شده است. رویکرد تحلیل این پژوهش ساختاری - نقشی است؛ زیرا رویکرد ساختاری صرف ما را به واقعیت کاربرد زبان نمی‌رساند. روند کار بدین صورت است که انواع وجه به منزله متغیر بالقوه انتخاب شده، به صورت کیفی تحلیل شده، به صورت کمی در SPSS ثبت شده، و سپس محاسبات آماری بر آن صورت گرفته است. جامعه آماری کل اشعار سلمان هراتی بوده که 2574 فعل در آن به کار رفته است. واحد تحلیل جمله بوده و تعداد متغیرها مجموعاً سه متغیر وجه است. یافته‌های پژوهش در Excel ثبت و در قالب نمودارهای فراوانی و درصدی ارائه شده است.

## 2. سلمان هراتی

سلمان هراتی، که تقدیر موسیقی میلاد و مرگش را با میلاد و مرگ طبیعت هم‌ساز کرده بود

(فروردین 1338 - آبان 1365)، در آسمان شعر معاصر ایران و ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس از نام‌داران است. اگرچه درنگی شقایقی داشت، حضورش را در جایگاه شاعری اثرگذار در حوزه زبان و اندیشه ثبت کرد. سلمان عابری است که در فاصله سال‌های 1357-1365 «آب در سماور کهنه» شعر ما می‌ریزد تا «ترانه‌های بعثت» سبزش را در خاطره‌ها شکوفا کند. «دنیا در باتلاق تقلب» دست و پا می‌زند، اما او با «پنداری نیک» در اندیشه «زلزله محتومی» است و «در کسوف دل‌ها هزاره آوار» را به انتظار آکنده از شوق اما اندوه‌گینانه به تماشا می‌نشیند.<sup>1</sup> سلمان شعر ایران با وجود عمر اندکش صاحب سه مجموعه نفیس از آسمان سبز، دری به خانه خورشید، و از این ستاره تا آن ستاره شد؛ اما به‌راستی چه زود خرقه تهی کرد و رخت بریست شاعری که توانسته بود با این عمر اندک از آسمان سبز بگذرد و دری به خانه خورشید باز کند و گذری هم از این ستاره تا آن ستاره داشته باشد (علی‌پور، 1375: 16). یاد او و کوچ نابهنگامش برای همیشه در «خط مقدم» دل‌های صمیمی زنده است و به «بی‌خطی»‌های حقیر شاعرانه پوزخند می‌زند (حسینی، 1381: 75). سلمان با اتکا به استعداد و یافته‌های ادبی و بینش و باور اعتقادی خود در شاخه‌ای از شعر انقلابی، ایدئولوژی و اعتقاد قابلیت درخور توجه خود را به اثبات رساند و در این عرصه نام‌دار شد. از شگردهایی که سلمان برای ارتقای سطح عادی زبان شعری خویش به سطح ادبی به کار می‌گیرد استفاده از وجوه گوناگون فعل و نقش‌های متمایز آن است.

### 3. نگاهی به وجه فعل در دستوره‌های گوناگون فارسی

دستورنویسان آرای گوناگونی درباره وجوه فعل و نشانه‌های آن دارند. در کتاب‌های دستور وجوه فعل را بین سه تا هفت شمرده‌اند، ولی جملگی دستورنویسان بر سه وجه اخباری، التزامی، و امری اتفاق نظر دارند. خیامپور با دید دقیق خود وجوه فعل را مطالعه و بررسی کرد. او معتقد است وجه فعل عبارت از دلالت آن بر وقوع یا لاوقوع عمل به شکل اخبار، احتمال، و امر است. خیامپور به ارتباط «جهت قضایا» در منطوق و «وجوه افعال» در دستور زبان توجه کرد و بر مبنای معنی‌شناسی و به گونه‌ای مستدل وجوه افعال را به سه وجه احتمالی (التزامی)، اخباری، و امری محدود کرد (خیامپور، 1357: 86). بعد از آن که خیامپور وجوه فعل را به سه نوع اخباری، التزامی، و امری منحصر دانست، محمد جواد مشکور، مؤلف دستورنامه، دوباره وجوه شش‌گانه فعل چون اخباری، التزامی، امری، شرطی، وصفی، و مصدری را مطرح کرد (مشکور، 1366: 96) و سه وجه مذکور را که خیامپور با دلیل

آن‌ها را فاقد استقلال دانسته بود (خیامپور، 1375: 84) باز به منزله وجوه مستقل دانست. فرشیدورد در کتاب *دستور مفصل امروز سه وجه اصلی اخباری، التزامی، و امری* را برای زبان فارسی برشمرده است (فرشیدورد، 1348: 120). او در کتاب *خود، دستور مفصل امروز، وجه فعل را صورت یا جنبه‌ای از فعل دانست که بر اخبار و احتمال و امر و آرزو و تمنی و تأکید و امید و بعضی امور دیگر دلالت می‌کند و وجوه فعل را افزون بر شش نوع اخباری، التزامی، امری، وصفی، تأکیدی، و مصدری دانسته است (همان: 380-381)*. خانلری وجه فعل را شیوه‌ای از استعمال فعل می‌داند که به کمک آن گوینده وضع خود را نسبت به جریان فعل اظهار می‌دارد؛ به عبارتی دیگر، طریقه‌ای که جریان فعل از طرف گوینده نقل می‌شود، بر حسب آن که از وقوع فعلی خبر بدهد، یا قصد خود را به انجام دادن، یا میل به انجام یافتن، یا شرط انجام گرفتن، یا امر به انجام دادن فعلی را بیان می‌کند. او پنج نوع وجه را که عبارت‌اند از اخباری، التزامی، شرطی، امری، و تمنایی برای زبان فارسی برمی‌شمارد (خانلری، 1354: 22). انوری و احمدی گیوی در جلد دوم *دستور زبان فارسی درباره وجه فعل معتقدند: فعل را به اعتبار کیفیت بیان مفهوم آن که خبری را برساند یا وقوع و حالت آن را با احتمال یا شرط همراه کند یا فرمانی را برساند یکی از سه وجه اخباری یا التزامی یا امری به شمار می‌آورند (انوری و احمدی گیوی، 1387: 73/2)*.

در کتاب‌های دستوری جدید، که توصیف ساختاری زبان بر اساس معیارهای زبان‌شناسی و با توجه به ویژگی‌های معنایی انجام گرفته، مباحث و تعاریف دستوری با دقت فراوان بیان شده است. ارژنگ در *دستور زبان فارسی امروز، وجه فعل را صورتی از ساختار فعل می‌داند که دیدگاه گوینده را درباره قطعی بودن یا غیر قطعی بودن یا امری بودن فعل می‌رساند. او معتقد است: زبان فارسی امروز سه وجه بیش‌تر ندارد: اخباری، التزامی و امری (ارژنگ، 1374: 141)*. مشکوة‌الدینی نیز در *دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری درباره تعریف وجه و انواع آن نظر ارژنگ را نقل کرده است (مشکوة‌الدینی، 1366: 61)*. باطنی در *توصیف ساختمانی دستور زبان فارسی بدون ارائه تعریفی از وجه، از وجوه اخباری، التزامی، امری، و غیر شخصی در فارسی سخن می‌گوید (باطنی، 1364: 130)*. نگارندگان این مقاله بر این باورند وجه فعل صورتی از ساختار فعل است که آن را به اعتبار چگونگی بیان مفهوم آن که خبری را به طور قطعی برساند یا وقوع کاری را با احتمال همراه کند یا امری بودن فعلی را برساند، یکی از سه وجه اخباری یا التزامی یا امری به حساب می‌آورند. بدین ترتیب، امروز در زبان فارسی سه وجه بیش‌تر وجود ندارد: اخباری، التزامی و امری

(مدرّسی، 1386: 443). اکنون با توجه به تعاریف وجه و تقسیم‌بندی‌های آن در دستوره‌های گوناگون سنتی و جدید و ذکر این نکته که در زبان فارسی امروز سه وجه بیش‌تر وجود ندارد کاربرد وجوه افعال در اشعار سلمان هراتی بررسی و موشکافی می‌شود.

#### 4. کاربرد وجوه افعال در اشعار سلمان هراتی

##### 1.4 وجه اخباری

وجه اخباری نمودی از فعل است که برای خبر دادن از کار یا حالتی به صورت قطعی آورده می‌شود. در صیغه‌هایی که وجه اخباری است گوینده به روی دادن یا ندادن فعل یا وجود یا عدم حالتی که از آن خبر می‌دهد یقین دارد (همان). مانند این شعر سلمان:

در خیابان کسانی هستند که به آدم نگرانی تعارف می‌کنند/ اما من که دغدغه خوشبختی‌ام نیست/ به شادی این خوشبخت‌های کوچک می‌خندم/ پس می‌آیم با زنبیل‌هایی از ترانه و آویشن/ و مردانی را سلام می‌دهم که تو را در تنفس خود دارند/ و یک لبخند تو را/ به هزار عافیت محض/ ترجیح می‌دهند (هراتی، 1390: 240).

از مصداق‌های عشق در نگاه سلمان هراتی مفهوم وطن است و از این عشق گریز و گزیری نیست و بنابراین باید مملو از عشق به وطن شد تا حیات یافت. عشق همواره با درد و رنج همراه است؛ حتی عشق به وطن. سلمان هراتی وطن را عشق یا ازدحام درد می‌پندارد و این نکته را با وجه خبری ابراز می‌کند:

ای وطن من، ای عشق/ ای ازدحام درد/ جان من از بی‌دردی/ درد می‌کند/ زین پیش هر چه بوده‌ام/ عاشق نبوده‌ام (هراتی، 1388: 50).

ای ایستاده در چمن آفتابی معلوم/ وطن من! ای تواناترین مظلوم/ تو را دوست می‌دارم! (همان: 9).

شاعر در سروده ذیل بیش‌تر در پی بیان یک تجربه و احساس عارفانه است و شکوه و ابهت این تجربه او را واداشته تا از زبانی سمبلیک و رازآلود بهره جوید و آن را چنین بیان کند:

دیشب آن قدر نزدیک بودی/ که پنجره از شادی‌ام نمک می‌چشید/ و لبخندم را دامن می‌زد/ من مشغول تو بودم/ نیلوفری از شانه‌های من روید/ و از پنجره بیرون رفت (هراتی، 1390: 180).

ساختارهای مضارع ساده و مضارع اخباری و مستقبل و ماضی به جز ماضی التزامی و مضارع التزامی و ساخت امر وجه اخباری دارند. در اشعار سلمان هراتی برخی از ساختارهایی با این زمان‌ها، که وجه اخباری دارند، وجود دارد.

#### 1.1.4 مضارع ساده

مضارع ساده فعلی است که از بن مضارع و شناسه ساخته می‌شود. مضارع ساده، از میان ساختارهای فعلی که وجه اخباری دارند، بیش‌ترین نمود را در اشعار سلمان هراتی دارد. برای نمونه، سلمان هراتی در وصف حضرت امام خمینی (ره) این‌گونه داد سخن سر می‌دهد:

حضور تو امروز/ آسمان مجهزی است/ که بی‌شمار ستاره دارد/ و می‌توان کهکشانش را شمرد (هراتی، 1388: 32).

سلمان در سروده ذیل ایمان قلبی خویش به واقعیت وجودی پروردگار را به تصویر می‌کشد:

گاهی آن قدر واقعیت داری/ که پیشانی‌ام/ به یک تکه‌ابر سجده می‌برد/ به یک درخت خیره می‌شوم/ از سنگ توقع دارم/ مهربانی را (هراتی، 1390: 187-188).

نمونه‌های دیگر برای مضارع ساده از اشعار سلمان هراتی:

خیمه یعنی خاک داریم خانه نداریم/ خدا کند ما را تنها نگذارد/ وگرنه امیدی به گشودن پنجره بعدی نیست (همان: 83).

هر گل سرخ که می‌کاریم      زیر لب نام تو داریم

(همان: 123)

سلام بر آنان/ که در پنهان خویش/ بهاری برای شکفتن دارند/ و می‌دانند/ هیاهوی گنجشک‌های حقیر/ ربطی با بهار ندارد/ حتی کنایه‌وار (همان: 208).

حضور این کاروان/ چه شکوهی به خیابان داده است/ اینان با رفتاری پرنده‌وار/ و با حرارتی از تنفس سبز مرا می‌آموزند/ دست کم درختی باشم/ در خدمت پرنندگان (همان: 222).

چنان درخت در این آسمان سری داریم      برای حادثه دست تناوری داریم

(همان: 309)

#### 2.1.4 مضارع اخباری

فعل مضارع اخباری فعلی است که از جزء پیشین «می» + بن مضارع و شناسه‌های مضارع ساخته می‌شود. مضارع اخباری، از میان ساختارهای فعلی که وجه اخباری دارند، و از لحاظ فراوانی در اشعار سلمان هراتی در جایگاه سوم قرار دارد. برای نمونه:

وقتی که از حرص حقیر داشتن دل دست می‌کشی / همه‌مۀ عشق را می‌شنوی  
(هراتی، 1388: 62).

ماهواره‌های دروغ‌پرداز / در سیاست دخالت می‌کنند / اگرچه هوای جهان طوفانی  
است / سازمان هواشناسی / همیشه گزارش معتدل به دنیا می‌دهد / و خواب خوشی را /  
برای شنوندگان آرزو می‌کند (همان: 68).

از برق پرفروغ سم مرکب سحر / چشم زمین ز خواب گران باز می‌شود / گل‌بوته‌های  
معنی و اشراق می‌دمند / آنک بهار حادثه آغاز می‌شود (همان: 109).

کنار شب می‌ایستم / چشم بر شمد سورمه‌ای آسمان می‌اندازم / ستاره‌ها / با نخ نور  
گل‌دوزی شده‌اند / و من می‌شوم زمزمۀ درختان را (هراتی، 1390: 186).

#### 3.1.4 فعل آینده (مستقبل)

فعل مستقبل از صورت‌های صرفی «خواهد» + بن ماضی (مصدر مرّخم) فعل مورد نظر ساخته می‌شود. فعل مستقبل، از میان ساختارهای فعلی که وجه اخباری دارند، و از لحاظ فراوانی در اشعار سلمان هراتی در جایگاه ششم قرار دارد. برای نمونه، سلمان هراتی عشق به وطن را در شعر ذیل به تصویر می‌کشد:

ای مجمع‌الجزایر گل‌ها، خوبی‌ها! / ای مظلوم مجروح / از جنگل دستمالی خواهم ساخت /  
تا بر زخم تو گذارم / و دنیا را می‌گویم / تا از تو بیاموزد ایستادن را (هراتی، 1388: 11).

نمونه‌های دیگر:

ای مقتدای آب‌های آشوب / در روزگار جسارت مرداب / و گستاخی قارچ‌های مسموم /  
طوفان آخرین / که بر گسترۀ خاک خواهد گذشت (همان: 22).

مرا با رکود مرداب‌ها کاری نیست / من به تقلای دست‌های کریم / نماز خواهم برد / و  
خاک مستعد را / با نهرهای روان / آشتی خواهم داد (همان: 24).

و برایت / فرشی می‌بافم از گل یاس / و دل مغرورم را می‌شکنم / با تیشه‌ای که تو به من  
خواهی داد (همان: 40).

و شکوفه‌های پیراهن من / حرف می‌زنند؛ / شکوفه‌هایی که امروز / یک زخم پیش‌تر نیستند / تو به حرمت این شکوفه‌ها / مرا با دست اشاره خواهی کرد (هراتی، 1390: 190-191).  
 فردا را روشن‌تر از سحر حدس می‌زنم / که خنده‌دارتر از مرگ نمرود / به نیش پشه‌ای  
 فرو خواهی ریخت (همان: 229).

#### 4.1.4 ماضی ساده

فعل ماضی ساده بر انجام گرفتن کار یا حالتی در زمان گذشته به طور مطلق دلالت دارد (احمدی گیوی، 1384: 90). صورت ساده فعل ماضی، از بن ماضی + شناسه ساخته می‌شود. فعل ماضی ساده، از میان ساختارهای فعلی که وجه اخباری دارند، و از لحاظ فراوانی در اشعار سلمان هراتی در جایگاه اول قرار دارد. برای نمونه، سلمان هراتی به زیبایی به پنج سال حکومت حضرت علی (ع)، مظهر عدالت بر روی زمین، اشاره می‌کند:

زمین فقط / پنج تابستان به عدالت تن داد / و سبزی این سال‌ها / تتمه آن جویبار بزرگ  
 است / که از سرچشمه ناپیدایی جوشید (هراتی، 1388: 28).

نمونه ذیل که با فعل ماضی ساده بیان شده در وصف میرزا کوچک خان جنگلی است:

آی میرزا / در جست‌وجوی تو / از باریکه شمشادهای مقابل رفتم / و رد پای تو را جست  
 (همان: 34).

سلمان در شعر ذیل شام غریبان را با وجه اخباری به تصویر کشیده است:

پایان آن حماسه دردآلود / شامی غریب بود / شامی گرفته و غم‌ناک / دیگر همیشه شعر /  
 دیگر همیشه مرثیه / در بحر اشک بود (هراتی، 1390: 266-267).

نمونه‌های دیگر:

من نبودم / مادرم یتیم شد / من نبودم / درختان بی‌شکوفه نشستند / من نبودم / گنجشک‌ها  
 برگ و بارشان را بستند / و از بهار گذشتند (همان: 85).

ماندیم و نرانندیم نشستیم و شکستیم رفتید و شنیدیم شهیدان خدایید

(همان: 289)

#### 5.1.4 ماضی استمراری

این فعل امروزه با افزودن جزء پیشین «می» بر سر ساخت ماضی ساده پدید می‌آید و آن، بر انجام گرفتن کار یا وقوع امری در زمان گذشته همراه با مفهوم ادامه، عادت، تکرار، آرزو،



لزوم شرط، جزای شرط، و جز آن‌ها دلالت دارد (احمدی گیوی، 1384: 98). فعل ماضی استمراری، از میان ساختارهای فعلی که وجه اخباری دارند، و از لحاظ فراوانی در اشعار سلمان هراتی در جایگاه پنجم قرار دارد. برای نمونه، سلمان هراتی در شعر ذیل ضربت خوردن حضرت علی (ع) را در نوزدهم ماه مبارک رمضان با این وجه به تصویر می‌کشد:

آفتاب نماز حادثه می‌خواند/ ناگاه دست حرامی/ با بغض و سوسه چرخید/ با خنجرش/ فرق خورشید را شکافت/ زمین ایستاد/ در احتیاج حجت می‌سوخت/ و ترس ویرانی/ بر خاک می‌گذشت/ و آسمان تا صبح می‌گریست/ آفتاب/ این زخم را به تفاخر سرود و رفت (هراتی، 1388: 16).

شعر ذیل که در وصف سال‌هایی است که حضرت امام خمینی (ره) در تبعید به سر می‌بردند با این وجه بیان شده است:

سال قحطی چشم تو/ سالی که باغ در سایه می‌زیست/ و جنگل از بسیاری رطوبت/ کرخت می‌روید/ چشم‌ها حفره‌های مخوف/ و سال اختلاط گرگ و میش/ دستی برای تفکیک بر نمی‌آمد/ و هیچ چشمی نمی‌اندیشید/ و لب‌ها/ با آهنگ تجسس سلام می‌کردند (همان: 30).

نمونه‌های دیگر که با این وجه بیان شده‌اند:

در عادت مداوم بودن/ وقتی/ بانگ رحیل عمر/ بی‌وقفه می‌نواخت در جان شب/ من در امتناع خورشید که نور را از من دریغ می‌کرد/ گریستم (هراتی، 1390: 244-245).

#### 6.1.4 ماضی بعید

این فعل از صفت مفعولی فعل اصلی + بود + شناسه‌های ماضی ساخته می‌شود و بر انجام گرفتن کار یا وقوع امری در زمان گذشته دور دلالت دارد (احمدی گیوی، 1384: 143). ماضی بعید، از میان ساختارهای فعلی که وجه اخباری دارند، و از لحاظ فراوانی در اشعار سلمان هراتی در جایگاه آخر قرار دارد. برای نمونه:

و من/ هر گلی را که می‌دیدم از/ دست‌های تو آغاز می‌شد/ و آبی که از بیشه دور می‌آمد آرام/ بوی تو را داشت/ من از ابتدای تو فهمیده بودم/ که یک روز خورشید را خواهی آورد (هراتی، 1388: 103).

بس سال‌هایی که بیهوده بیهوده بودیم      بس کوچه‌هایی که تا هیچ پیموده بودیم  
دل‌ها به اندازه خندک کوچکی بود      دل را در آرامشی پوچ فرسوده بودیم

موسیقی چشمه‌ها را شنیدیم، رفتند وقتی که آن سوی تنهایی آسوده بودیم

(همان: 117)

در شعر ذیل، که با فعل ماضی بعید بیان شده، نوعی نوستالژی دیده می‌شود. شاعر خاطرات دوران کودکی خویش را مرور می‌کند و در ژرفای مه به دنبال سادگی و معصومیت کودکی خود می‌گردد؛ سادگی و معصومیتی که بارزترین مشخصه دوران کودکی است و اینک با دور شدن از آن ایام کم‌رنگ‌تر شده است:

قدم‌زان در ساحل خاکستری مه / دنبال سادگی پسرکی بودم / که کودکی من بود / و یک روز از تشنج تنگ‌دستی / به این جا آمده بود. / و نگاهش را با بال‌های یک لک‌لک / در ژرف بی‌رنگ مه گم کرد / از آن پس / من به تماشای دوردست‌ها خرسندم (هراتی، 1390: 195).

#### 7.1.4 ماضی نقلی

این فعل از صفت مفعولی فعل اصلی + صرف فعل ناقص «است» (ام، ای، است / ایم، اید، اند) ساخته می‌شود. فعل ماضی نقلی، از میان ساختارهای فعلی که وجه اخباری دارند و از لحاظ فراوانی در اشعار سلمان هراتی، در جایگاه چهارم قرار دارد. برای نمونه، سلمان هراتی عشق به وطن را که در سراسر زندگی‌اش استمرار داشت با این فعل به تصویر می‌کشد:

ای ایستاده در چمن آفتاب / وطن من! ... / ایستاده‌ایم در کنار تو سبز و سربلند / دنیا دوزخ  
اشباح هولناک است / و تو آن درخت گردوی کهن‌سالی / و بیش از آن که من خوف تیر را  
نگرانم / تو ایستاده‌ای / بگذار گریه کنم / نه برای تو / که عشق و عقل در تو آشتی کرده‌اند  
(هراتی، 1388: 9-10).

سلمان هراتی در منظومه «در خلوت بعد از یک تشییع» که از دل‌تنگی‌های خود می‌گوید و دنیای سرشار از لطافت و صداقت جبهه را بدون تعقید و با زبانی صمیمی پیوند می‌زند و زیبایی‌های آن را با زبان طبیعت ترجمه می‌کند، از این فعل بهره می‌برد:

بیا به جبهه برویم / من آن‌جا را یک بار بویسده‌ام / آن‌جا رطوبت مطبوعی دارد / که به  
ایستادگی درخت کمک می‌کند / ما چقدر جاهای دیدنی داریم / ما چقدر غافلیم / ما که به  
بوی گیج آسفالت / عادت کرده‌ایم / و نشسته‌ایم هر روز کسی بیاید / زباله‌ها را ببرد / چه  
انتظار حقیری! (همان: 67).

نمونه‌های دیگر:

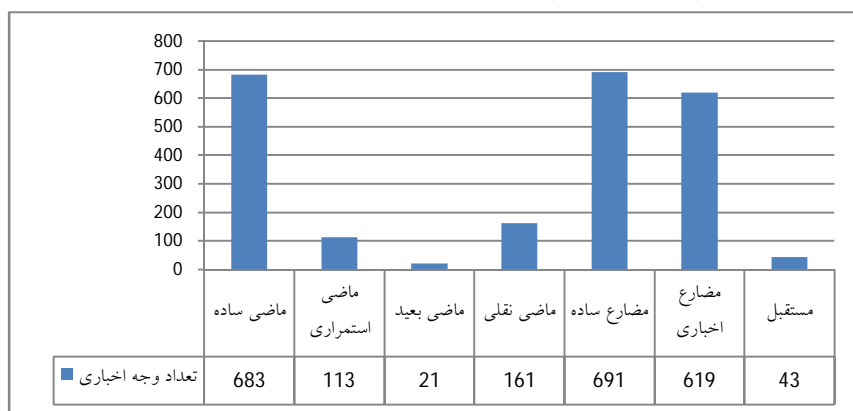
آلاله‌های عاشق درخون‌تپیده را      وقت نماز حادثه اکنون رسیده است

ای ساکنان جنگل انبوه زندگی خورشید زخم خورده و گلگون دمیده است  
(همان: 110)

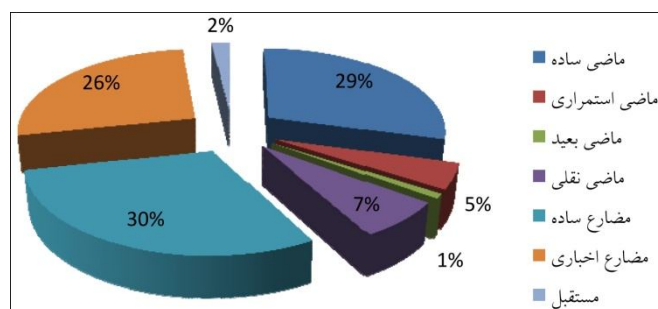
در فرهنگ قرآنی، جهان کتاب بزرگ و گشوده است و پدیده‌ها نیز آیات آن‌اند که نگاه‌های عاشق و ژرف‌بین را به مطالعه خویش فرا می‌خواند. شاعر ما را دعوت می‌کند از این چشم‌انداز به جهان بنگریم:

جهان قرآن مصور است / و آیه‌ها در آن / به جای این‌که بنشینند، ایستاده‌اند / درخت یک مفهوم است / دریا یک مفهوم است / جنگل و خاک و آب / خورشید و ماه و گیاه / با چشم‌های عاشق بیا / تا جهان را تلاوت کنیم (هراتی، 1390: 194-195).

سلمان هراتی استمرار سوگ و جشن شهادت شهید رجایی را با این فعل ابراز می‌کند:  
ما نشان صلابت تو را / در چهره‌های نذیران تاریخ دیده‌ایم / یاران به سوگ تو، نه / به سوگ توده مردم نشسته‌اند / مردم به سوگ تو، نه / به جشن شهادت نشسته‌اند (همان: 243).



نمودار فراوانی وجه اخباری در اشعار سلمان هراتی



نمودار درصدی وجه اخباری در اشعار سلمان هراتی

## 2.4 وجه التزامی

وجه التزامی نمودی از فعل است که وقوع کاری را به صورت التزام به امری چون آرزو، شک، امید، شرط، میل، خواهش، حدس و گمان، و غیره بیان می‌کند و بنابراین، هرگاه واقع شدن یا نشدن فعل مسلّم و قطعی نباشد، از وجه التزامی استفاده می‌شود؛ چون این وجه به غیر قطعی بودن جمله اشاره دارد (مدرّسی، 1386: 444). برای نمونه، سلمان شعر ذیل را در وصف حضرت علی (ع) سروده است:

زمین اگر برابر کهکشان تکرار شود / حجم حقیری / که گنجایش بلندی تو را نخواهد داشت  
(هراتی، 1388: 26).

نمونه دیگر:

و تعجب نمی‌کنم / اگر بینم ماه / با بچه‌های کوهستان / گل‌گاوزبان می‌چیند  
(هراتی، 1390: 188).

وقوع صیغه‌های وجه التزامی همیشه همراه و وابسته به وقوع فعل دیگر است. به این سبب آن‌ها را «لتزامی» می‌خوانیم. التزامی یعنی وابسته بودن (خانلری، 1353: 30). گفتنی است وجه شرطی که در برخی از دستورها با عنوان مستقلی مطرح شده نوعی از وجه التزامی است که در بند پیرو می‌آید و انواع دیگر وجه التزامی مانند احتمال و تمنا و آرزو فعل را به وجود شرط ملتزم می‌کند.

وجه التزامی دو ساختار بیش‌تر ندارد: مضارع التزامی و ماضی التزامی. ولی ساختار ماضی بعید و ماضی استمراری و ماضی نقلی را می‌توان هم در جمله قطعی اخباری به کار برد و هم در جمله‌هایی با مفهوم التزامی، بعد از عناصر التزامی‌ساز (مدرّسی، 1386: 444).

### 1.2.4 مضارع التزامی

فعل مضارع التزامی از تک‌واژ التزامی‌ساز «ب» + بن مضارع + شناسه‌های مضارع ساخته می‌شود؛ اما این تک‌واژ در برخی از فعل‌های پرکاربرد شامل «داشتن و کردن» و نیز، فعل‌های پیشوندی و مرکب حذف می‌شود که در آن صورت می‌توان با افزودن آن بر سر فعل، التزامی بودن آن را ثابت کرد (وحیدیان کامیار و عمرانی، 1387: 44). مضارع التزامی، از میان ساختارهای فعلی که وجه التزامی دارند، و از لحاظ فراوانی در اشعار سلمان هراتی در جایگاه اول قرار دارد. برای نمونه:

ای سرگردان/ اگر به مرگ اعتماد کنی/ معاد جاذبه‌ای است/ که تو را برمی‌انگیزاند/ سبزتر از بهار (هراتی، 1388: 45-46).

و دنیا را می‌گویم/ تا از تو بیاموزد ایستادن را/ تو را دوست می‌دارم.../ و میدان‌های تو/ که تراکم اعتراض را حوصله کردند/ و پشت‌بام‌های تو که مهربان شدند/ تا من "کوکتل مولوتف" بسازم (همان: 13).

و خورشید اگر چه بزرگ است/ هنوز کوچک است/ اگر با جبین تو برابر شود (همان: 27).  
ای کاش درختی باشم/ تا از من دریچه‌ای بسازند/ و از آن خورشید را بنگرند (هراتی، 1390: 232).

ای خدا/ مهربانی آبی! ابرها را بگو با درختان این باغ/ از سر مهربانی بیارند/ تا در این دشت/ با بهاری که از راه فردا می‌آید/ لاله ارغوانی بکارند (هراتی، 1387: 58).

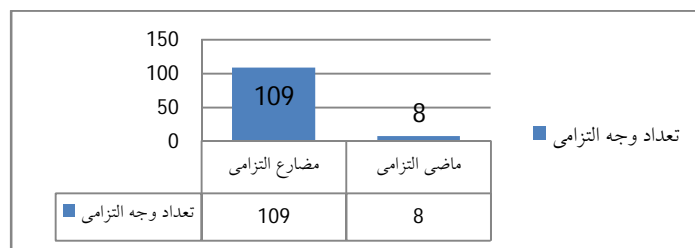
#### 2.2.4 ماضی التزامی

فعل ماضی التزامی از صفت مفعولی فعل اصلی + مضارع ساده «باشیدن» ساخته می‌شود و انجام کار یا بودن حالتی را در زمان گذشته با شک و شرط و آرزو و لزوم و امثال آن می‌رساند (احمدی گیوی، 1384: 158). فعل ماضی التزامی، از میان ساختارهای فعلی که وجه التزامی دارند، و از لحاظ فراوانی در اشعار سلمان هراتی در جایگاه دوم قرار دارد. اینک نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

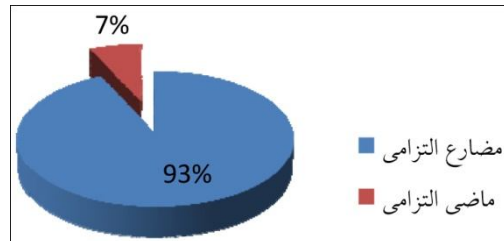
و شعر من/ عربده جانوری نیست/ که از کثرت استعمال «هاری جوانا»/ دهان باز کرده باشد/ بلکه زمزمه‌ای است/ که مظلومیت تو مرا آموخته/ تو مظلوم سترگی/ و نه ضعیفه‌ای که پیراهنش را دریده باشند (هراتی، 1388: 11).

تو مثل ستاره/ پر از تازگی بودی و نور/ و در دست انگشتی بود از عشق/ و پاکیزه مثل درختی/ که از جنگل ابر برگشته باشد (همان: 102).

پس دلم را/ به سمت دست‌نخورده‌ترین قسمت آسمان می‌گشودم/ تا معبر/ بکرترین عطرها باشم/ که تاکنون/ هیچ مشامی نوییده باشد (هراتی، 1390: 232).



نمودار فراوانی وجه التزامی در اشعار سلمان هراتی



نمودار درصدی وجه التزامی در اشعار سلمان هراتی

### 3.2.4 برخی از نقش‌های وجه التزامی<sup>2</sup>

#### 1.3.2.4 نقش دعایی

از نقش‌های درخور توجه وجه التزامی نقش دعایی است که سلمان هم با آن آرزویی را بیان می‌کند. در این نقش بند پیرو را با وجه التزامی آورده است (مدرّسی، 1386: 445).

ای روشنایی بی‌بعد / ای سطح بی‌عمق / میان پنجره می‌خندی / و روبه‌روی مرا / به هر چه آفتاب خداست می‌بندی / عطش را مباد / که دل به رخوت مردابی تو بسپارد (هراتی، 1388: 54).

امسال سال موش است / سالی که هزار نقشه برای مردم کشیدی / و نیرنگ را / در محضر موش اعظم تلمذ کردی / دلت مثل پستو تاریک است / می‌دانم / و واحدهای درسی "نداریم" را / تمام کرده‌ای / الهی اصلاً نداشته باشی (همان: 74).

تو می‌خواهی خواهرم فرصت نکند / برای رزمندگان دست‌کش بیافد / تو همین را می‌خواهی / امریکا نیز / الهی هر چه در پستو داری زنگ بزند / مثل دلت که زنگ زده است (همان: 75).

#### 2.3.2.4 نقش منظوری

سلمان قصد و منظور داشتن را با وجه التزامی نشان می‌دهد. فعل‌هایی که در بند پایه برای بیان قصد و منظور به کار می‌برد عبارت‌اند از: خواستن، و بنا داشتن، و غیره (مدرّسی، 1386: 445).

می‌خواهم بر اوج بلندترین صخره بنشینم / آن بالا به آسمان نزدیک‌ترم / و می‌توانم لحظه‌های تولد باران را / پیش‌بینی کنم (همان: 64).

من دل‌تنگم / بنا دارم به نام تو با شعر / پلی بسازم / تا وقتی از آن می‌گذرند / آسمان را بفهمند (هراتی، 1390: 214).

#### 3.3.2.4 نقش بایدی

سلمان اجبار و ضرورت در انجام کاری را با فعل‌های وجهی مانند بایستن ابراز می‌کند. معمولاً بندهایی که در اشعار او با این فعل‌ها آغاز می‌شوند با وجه التزامی می‌آیند (مدرّسی، 1386: 445).

باید از عادت صحرا بگریزم/ باید/ صحن خاکستری صبح/ فضایی است به دروازه نور/  
وطن من دریاست/ وای، وا فریادا/ روزگاری است که هم صحبت با خاکم من/ درک این  
لحظه مرا می‌شکند (هراتی، 1388: 106).

بهار غنچه سبزی است/ که مثل لبخند باید/ بر لب انسان بشکند (هراتی، 1390: 208).

عید «حوّل حالنا» است/ که واجب است بفهمیم (همان: 209).

باغ را دریابید!/ غیبت چشمانش سنگین است/ چشم‌هامان چه گناهی کردند/ که از این  
پس باید/ بی چراغ روشن باغ را بشناسند (همان: 274).

#### 4.3.2.4 امکان انجام عمل

سلمان امکان انجام عمل را با فعل‌های متعددی بیان می‌کند؛ برای نمونه، با فعل «توانستن» که فعلی است هم توانایی ذاتی انجام کار و هم توانایی اکتسابی انجام عمل را بیان می‌کند. گفتنی است که این فعل‌ها وجه اخباری دارد و در جمله پایه به کار می‌رود و پیرو آن با وجه التزامی می‌آید. برای نمونه:

و روز چنان است/ که می‌توانی همه‌جا را ببینی/ و همه صداها را بشنوی (هراتی، 1388: 62).

قلب من مانده زیر حجایی/ زیر یک پرده از جنس آهن/ کاشکی می‌توانستم این پرده‌ها  
را بدرم/ بعد از آن/ از شکاف تن پرده تا دورها پر بگیرم (همان: 95).

می‌خواهم بر اوج بلندترین صخره بنشینم/ آن بالا به آسمان نزدیک‌ترم/ و می‌توانم  
لحظه‌های تولد باران را/ پیش‌بینی کنم (همان: 64).

گفتنی است که در زبان محاوره‌ای برای بیان توانایی جسمانی و کسب اجازه کردن تمایزی وجود ندارد و در هر دو مورد از فعل «توانستن» استفاده می‌کنند. در جمله نظیر «او می‌تواند ادبیات بخواند» اگر خبری باشد، بر توانایی دلالت دارد و اگر پرسشی باشد از مخاطب اجازه خواندن را می‌خواهد. در بافت‌های مؤدبانه از فعل مرکب «اجازه دادن یا اجازه داشتن» استفاده می‌شود؛ مثلاً هنگامی که دانشجو از استاد اجازه رفتن می‌خواهد، می‌گوید اجازه دارم بروم. پس از این فعل‌ها بند پیرو در وجه التزامی می‌آید (ماهویتیان، 1378: 238).

#### 5.3.2.4 میزان قطعیت

سلمان میزان قطعیت کاری را با «شاید» ابراز می‌کند. پس از این واژه‌ها بند پیرو را در وجه التزامی می‌آورد:

دفتر کوچک نقاشی من / داخل هر برگت / طرح یک موج کشیدم با رنگ / گفته بودم شاید /  
بتوانم دریا را بکشم / آه افسوس نشد / دفتر کوچک نقاشی من (هراتی، 1387: 8).

#### 3.4 وجه امری

وجه امری نمودی از فعل است که وقوع یا وقوع نیافتن کاری را به صورت فرمان یا خواهش یا توصیه بخواهد (مدرسی، 1386: 447). سلمان از این وجه هم بهره جسته است؛ برای نمونه:

ای رویین تن متواضع / ای متواضع رویین تن / ای میزبان امام / ای طیب، ای وطن من /  
درختان با اشاره باد / بر طبل سبز می‌کوبند / کباده بکش / علی را بخوان / صلوات بفرست  
(هراتی، 1388: 15).

در این شعر سلمان انجام کار را با خواهش درخواست می‌کند:

آی گالش / ای صبور سترگ / از دم تو تحمل ایوب می‌وزد / با ما بگو / آویشن کدام بهار / در  
سبد دست‌های توست (همان: 37).  
بهار / ادامه لبخند اوست / با من بیا / به نظاره هزاره آوار / و ببین / پایان زندگی چقدر  
مستند است (همان: 49).

برخی معتقدند که وجه امری سه ساخت دارد: دوم شخص مفرد، اول شخص جمع، و دوم شخص جمع (ارژنگ، 1374: 142؛ فرشیدورد، 1384: 380). فعل امر مفرد شناسه ندارد، یعنی شناسه آن تهی است و شناسه دوم شخص جمع «ید» است. در برخی کتب دستوری، امر را در دو ساخت «دوم شخص مفرد» و «دوم شخص جمع» آورده‌اند (انوری و احمدی گیوی، 1374: 46).

نشانه وجه امری تک‌واژ «ب/ be» است که پیش از فعل می‌آید. در صورت منفی شدن فعل به جای «ب/ be» از «ن» استفاده می‌کنند و فقط در زبان ادبی است که تک‌واژ «م» برای منفی ساختن وجه امری می‌آید. پیشوند «be» را قبل از هجایی که «o» داشته باشد به کار می‌برند؛ مانند بخور.

ذکر این نکته بایسته می‌نماید که پیشوند «be» را معمولاً در صیغه امری فعل «کردن»



حذف می‌کنند؛ مانند تندتر کار کن. این پیشوند در فعل «بودن» نیز باید حذف شود. و باید یادآور شد که از هر دو گونه آن استفاده می‌شود: سلمان برای موارد ذیل از وجه امری استفاده می‌کند:

### 1.3.4 وجه اجازه‌ای

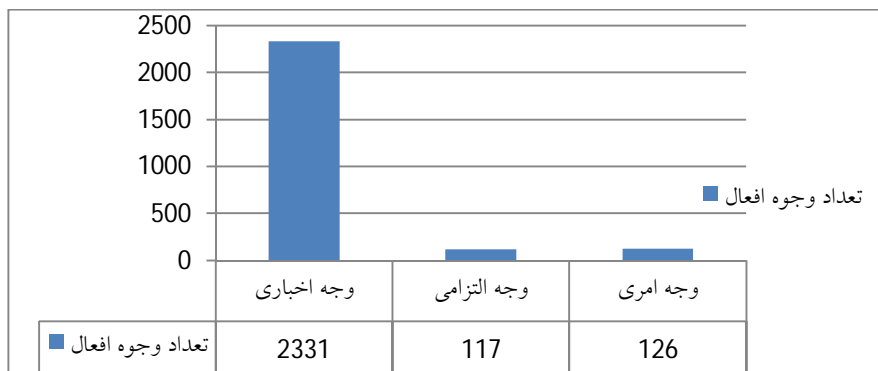
او این وجه را با ساخت امری بیان می‌کند؛ مانند

بگذار گریه کنم/ نه برای تو/ نه نه نه! بل برای عاطفه‌ای که نیست/ و دنیایی که/ انجمن حمایت از حیوانات دارد/ اما انسان/ پابره‌نه و عریان می‌دود/ و در زکام دفن می‌شود (هراتی، 1388: 14).

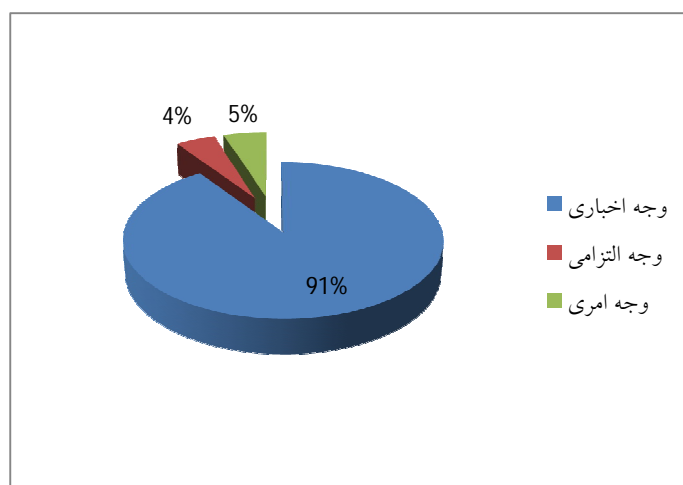
بیا روشن، بیا بی‌کینه باشیم/ چو آه ساکنی در سینه باشیم/ برای کثرت خورشید در خویش/ بیا مثل دل آینه باشیم (همان: 143).  
بیا به جبهه، به کوه برویم/ شتاب کن، آقای عادت/ پل هوایی فاصله دیگری است/ که آسمان را از ما مضایقه می‌کند (همان: 66).

### 2.3.4 وجه هشداری

سلمان برای اخطار و هشدار دادن از ساخت امری نیز بهره می‌برد (مدرّسی، 1386: 447).  
آهای ای پیشوای اقیانوس‌های شورش/ شب‌نشینی دنیا به طول انجامید/ طوفان را رها کن/ و اسب آشوب را/ افسار بگسل (هراتی، 1388: 25).  
من از حضور این همه بی‌خودی در خانه‌ام/ متفترم/ ای دل برخیز تا برای رفتن فکری بکنیم (همان: 60).  
به عبدالله گفتم:/ مرگ بر فئودال پنج‌بخشه/ بنویس، خیلی دیر شده است/ آن‌ها روزنامه می‌نویسند/ و کسالت را دامن می‌زنند/ اما تو برخیز و یاد بگیر/ جویبارها به خاطر تو زمزمه دارند (هراتی، 1390: 202).  
با شما هستیم!/ بنشینید!/ بنویسید سر سطر/ که صبح/ از مزار شهید می‌آید/ با سبیدی از میخک سرخ (هراتی، 1387: 12).



نمودار فراوانی وجوه افعال در اشعار سلمان هراتی



نمودار درصدی وجوه افعال در اشعار سلمان هراتی

## 5. نتیجه گیری

سلمان هراتی توانست با اتکا به استعداد ادبی و بیش و باور اعتقادی خویش در شاخه‌ای از شعر انقلابی، ایدئولوژیک، و اعتقادی قابلیت چشم‌گیر خود را به اثبات برساند و در این عرصه نام‌دار شود. از شگردهایی که سلمان برای ارتقای سطح عادی زبان شعری خویش به سطح ادبی به کار می‌گیرد استفاده از وجوه گوناگون فعل و نقش‌های متمایز آن است.

یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اشعار سلمان هراتی 91 درصد وجه اخباری، 5

درصد وجه التزامی، و 4 درصد وجه امری دارد که نشان می‌دهد سبک روایی در اشعار سلمان هراتی غالب بوده و اشعار او به تعاملات بینافردی نگرشی اطلاع‌دهنده و یک‌سویه داشته و صدای دستوری در آن خبری و خشی است. موضع خنثی بودن اشعار سلمان هراتی نسبت به مناسبات قدرت از 5 درصد وجه التزامی و 4 درصد وجه امری قابل درک است. به عبارتی، صدای دستوری در اشعار سلمان هراتی گزارشی است و اشعارش موضعی خنثی در برابر روابط قدرت دارد. درصد پایین وجه امری و التزامی نشانه نگرش و تعاملی عاری از سلطه در اشعار سلمان هراتی است که از دیدگاه سبک‌شناسی انتقادی، که تحت تأثیر تحلیل گفتمان انتقادی، به تحلیل متن یا اثر در سه سطح توصیف، تفسیر، و تبیین می‌پردازد، درخور توجه است.

### پی‌نوشت‌ها

1. کلمات و عبارات داخل گیومه برگرفته از اسم بعضی از اشعار سلمان هراتی‌اند.
2. این تقسیم‌بندی برگرفته از کتاب *از واج تا جمله: فرهنگ زبان‌شناسی - دستوری*، نوشته فاطمه مدرّسی است.

### منابع

- احمدی گیوی، حسن (1384). *دستور زبان فارسی فعل*، تهران: قطره.
- ارژنگ، غلامرضا (1374). *دستور زبان فارسی امروز*، تهران: قطره.
- انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (1387). *دستور زبان فارسی*، ج 2، تهران: فاطمی.
- باطنی، محمدرضا (1364). *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، تهران: امیرکبیر.
- حسینی، حسن (1381). *گزیده شعر جنگ و دفاع مقدس*، تهران: سوره مهر.
- خیامپور، عبدالرسول (1375). *دستور زبان فارسی*، تهران: کتابفروشی تهران.
- علی‌پور، منوچهر (1375). *مست لحظه‌های بی‌ریا*، تهران: فردوس.
- فرشیدورد، خسرو (1348). *دستور امروز*، تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علیشاه.
- فرشیدورد، خسرو (1384). *دستور مفصل امروز*، تهران: سخن.
- ماهوتیان، شهرزاد (1378). *دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی*، ترجمه مهدی سمایی، تهران: مرکز.
- مدرّسی، فاطمه (1386). *از واج تا جمله: فرهنگ زبان‌شناسی - دستوری*، تهران: چاپار.
- مشکور، محمدجواد (1366). *دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی*، تهران: شرق.

- مشکوٰۃ‌الدینی، مهدی (1366). دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ناتل خانلری، پرویز (1353). تاریخ زبان فارسی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (1387). دستور زبان فارسی 1، تهران: سمت.
- هراتی، سلمان (1387). از این ستاره تا آن ستاره، تهران: سوره مهر.
- هراتی، سلمان (1388). از آسمان سبز، تهران: سوره مهر.
- هراتی، سلمان (1390). مجموعه کامل شعرهای سلمان هراتی، تهران: دفتر شعر جوان.